

۱۰- جوانان ما و تولدی که در پیش است

۳۴۴۱۲- خدایا! گفتم «خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» و حال آن که این خلقت را در جهانی از زیبایی و حیرت آفریدی که در هر چه نگاه می‌کنیم حیرتی و شعفی بر پیش افزوده می‌شود؛ خدایا اگر اینهمه زیبایی را چاشنی زیست «کَبَد» کردی، زیست رحیمانه ابدیت آیا چقدر و چطور سرشار از زیبایی و شوق آفرینی خواهد بود؟ خدایا حتی در پست‌ترین جهانی که بنده را قرار دادی، حتی در خلقت کبد، دلت نیامد دلمان از این همه زیبایی محروم بماند؟ خدایا باران تویی ولی تو باران نیستی ابر تویی، چشمه، نسیم، عطر گلها، مروارید دریاها، خدایا درخشش ستاره‌ها، همه و همه خودت هست و تو هیچکدام از اینها نیستی، خدایا نغمه‌ی زیبا تویی، زلالی اشک تویی، خدایا نگاه عاشقانه تویی، لبخند تویی افسوس تویی. خدایا! تو چه هستی؟ هستی که همه چیز هستی، و هیچ چیز نیستی؟ خدایا! مثل دامن دامن برگی که در پاییز می‌ریزد، بر هر چه نگاه می‌کنیم دامن دامن، دسته دسته زیبایی به چشم می‌آید آی ای خدا! انگار عهد کرده‌ای تا دیوانه‌ام نکنی دست از سرم برنداری... خدایا! چطور تو را اینقدر واضح می‌توانم ببینم و خودم که همواره نزد خودم هستم اینقدر برایم در ابهام است و در پرده! خدایا! من که وسعت تو را ندارم، و نه سعه تو را. خدایا! مگر این همه ضعفم را نمی‌بینی؟ این همه بی‌قراری‌ام را؟ این همه دست بستگی و دل بستگی و دل بستگی‌ام را؟... خدایا! دنیای قشنگت را برای خودم در کالبد یک زندگی زیبا نیافریدم، عجب ستمی به خودم کردم! خدایا! پروازم بده دلم خیلی تنگ شده... مادر، عجب عجیب است هرچه

التماسش کردم برایم دعای شهادت نکرد! یعنی دلش نمی‌آمد، خدایا! تو دلش را بیاور... خدایا! تو دیوانگی هستی، عاقلی هستی. خدایا! هم دیوانه‌ام کن و هم عاقل، هم دلم را بسوز و هم بنواز.. خدایا! حیران و بیابانگرد خودت کن این «خودم» را... مادر عجب آفرینش عجیبی است... خدایا! مادر هم انگار جزء رازهایی است که هنوز بنا نداری افشایش کنی.. مادر که دعا بکند حتی نفهمیدنی‌ها را هم می‌شود فهمید! فقط کاش دعا بکند... خدایا من که استقلال وجودی ندارم پس من کیستم؟ آیا جز اینکه من تو هم هستی و تو من هم هستی؟ ... خدایا مادر عجب خلقت عجیبی است، انگار همه وجودش خلقتی مادی است جز دلش! باور کن راست می‌گویم خدایا، با حساب کتاب عقل و منطق نمی‌توان در یک کالبد کوچک، دل به این بزرگی را جا داد وقت‌هایی که کسی حوصله این اخلاق‌های خسته کننده‌ام را ندارد؛ حتی خودم هم حوصله خودم را ندارم جز مادر و جز پدر چه کسی می‌تواند اینقدر بزرگ باشد که بی‌منت اینقدر تاب بیاورد همچو منی را! خدایا! دیگر به سرم زده.. دنیا هم انگار حوصله‌اش از من سررفته.. خدایا! تو صاحب اختیار منی، اما خدای خوب من، راستش اگر قرار است زنده بمانم این نوع بودنم خیلی رنجورم کرده، خدایا! بودنم را یک‌طور دیگری کن،، از همان طورها که به جای زندگی حیات داشته باشم.. خدایا چشمم را رسول خودت قرار بده. گوشم را زبانم را سکوت‌م را لبخندم را همه بودنم را رسول خودت بکن.. خدایا مرا بمیران و مرا بی‌منم زندگی بده ... بوی این تعفن بد اخلاقی‌ها بوی

این نفاقم دارد مرا می کشد دعا کنید از خودم بریده شوم و متولد بشوم ...
التماس دعای بسیار دارم ... راستی من هم می شود شهید بشوم؟

پاسخ استاد

۳۴۴۱۲- باسمه تعالی: سلام علیکم: نگفتم و عرض نکردم، بوی تولد دیگری نسبت به جوانان این دوران به مشام می رسد؟! امری را انقلاب اسلامی برای این نسل پیش آورده که جوانان ما با خود آگاهی خاصی جهان گشوده ای را مقابل خود احساس می کنند که جهان دیروز برای آنها تنگ می باشد و همچون حاج قاسم به بودن به وسعت انسانیت انسان نظر دارند که آن دقیقاً همان قلب و روح «مادری» است. آری! با درک مادری، همه نیروهای انقلاب همچون حاج قاسم، بنای مادری این نسل را دارند. سخنان شما مرا به یاد شعر مشهور مرحوم یحیی دولت آبادی در مورد «مادر» انداخت که می گوید:

مادری پیر و پریشان احوال / عمر او بود فزون از پنجاه
زن بی شوهر و از حاصل عمر / یک پسر داشت شرور و خود خواه
روز و شب در پی او باشی خویش / بی خبر از شرف و عزت و جاه
دیده بود او به بر مادر پیر / یک گره بسته زر، گاه به گاه
شبی آمد که ستاند آن زر / بکند صرف عملهای تباه
مادر از دادن زر کرد ابا / گفت رو، رو، که گناه است، گناه
این ذخیره ست مرا، ای فرزند / بهر دامادیت ان شاء الله
حمله آورد پسر تا گیرد / آن گره بسته زر، خواه مخواه

مادر از جور پسر شیون کرد / بود از چاره چو دستش کوتاه
پسر افشرد گلوی مادر / سخت، چندان که رخس گشت سیاه
نیمه جان پیکر مادر بگرفت / بر سر دوش و بیفتاد به راه
برد، در چاه عمیقی افکند / کز جنایت نشود کس آگاه
شد سرازیر پس از واقعه او / تا نماید به ته چاه، نگاه
از ته چاه به گوشش آمد / ناله زار حزینی ناگاه
آخرین گفته مادر این بود / آه! فرزند نیفتی در چاه!
در ضمن، بحثی در رابطه با مادر در کانال «سها» رفقا انجام داده‌اند که خوب
است سری به آن مطالب نیز بزنید. موفق باشید